

روا ندارد پس اگر عقل کامل بود آن طاعتی کرده یا کرده
 و با نظر خود بیاورد و بانفس خود گوید که این چه لایق بارگاه
 عزه و عظمت و جلال الوی بود جایی که طاعت ملائکه و انبیا
 و شهدا و صلیقان باشد طاعت من چه باشد پس در آن خود را
 مقصود اند و گویه کند و آمرزش خواهد و اگر در عقل او
 نقصان بود در خود بخونی و عجبی پیدا کند و خود را از هم
 خلاص بجهت داند و مثابه ابلیس شود و در دوزخ هم قرار
 باشد و این امور نیز هم تعلق بنیات میدهد پس هر بنده
 که از این چهار ابتلا سلامت بیرون آید سعاده ابد بیابد ^{شماره}
 اما اگر چه عقل مجرد یا صلاحتین نیست اما در این دوی نمره
 میباشد در هر حدیث صحیح آمده که دو شخص
 پهلوی هم دیگر نماز میکردند و رکوع و سجود ایشان
 یکی باشد در صورت و میان نماز ایشان چندان تفاوت
 که میان آسمان و زمین و علی در شرح این حدیث گفته اند که
 تفاوت بسبب عقل و نیت ایشان بود که آنرا عقل معاد گویند

و مراد

و مراد از این عقل نیت خالص خواهند که بین کنند آفاه طاعت
 امید که او نیکو دارد ان شاء الله **فصل هفتم**
 در دوستی و دشمنی کردن از بهر خدای و دلیل بر این از قرآن
 و حدیث بسیار است و هم تعلق بدین باب نیات دارد و آنکه
 اصل نیت عمل دل است و محل محبت نیز دارد و محبت نمره معرق است
 و شوق نیز نمره معرفت است و سلسله همه اشیا بر محبت
 منوط و مربوط است که اگر سلسله شوق بودی افلاک
 دوران نگریدی و از سیر باز ماندی و سیر حجبتهم و کونته
 پوشیده نیست و حق تعالی جل جلاله از غایت مهربانی بر بنده
 خود فرموده و الله رؤوف بالعباد بزرگان مهر و بهتر
 عالمیان محمد مصطفی صلی الله علیه و آله این پیغام به بنده گان
 با ایمان فرستاد که قل ان كنتم تحبون الله فاتبعوني
يحببكم الله و يغفر لكم ذنوبكم و الله
غفور رحيم یعنی می فرماید که بگوی ای محمد
 که اگر شما دوست دارید خدای تعالی و پی در پی او می کنید